



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایی در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت‌های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت‌های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

جستاری در علل ظهور عمل گرایی در سیاست کیفری جرائم اقتصادی

Rostam Aliakbari

PhD in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran (Corresponding Author)

Arezo Cheraghi

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Kermanshah Science and Research Branch, Kermanshah, Iran

Arsalan Moradi

Master of International Law, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran

رستم علی اکبری

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

rostamaliakbari.phd@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-2916-5613>

آرزو چراغی

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Arezo.cheraghi@mailfa.com

ارسلان مرادی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
Moradi1403@yahoo.com

Abstract

The symbolic emphasis on the issue of combating economic crimes and the disregard for expert and scientific theories have caused pragmatism to penetrate the field of economic crime criminal policy. In such a way gaining political prestige by government officials in the eyes of public opinion is considered as one of their main goals in the fight against economic crimes. Pragmatic policies that are opposed to rationalism and prudent and scientific approaches, by emphasizing the will of the people and the current needs of society, adopt cross-cutting solutions to issues and problems. An examination of Iran's criminal policy on economic crimes shows that pragmatism has infiltrated the field of economic crimes for various reasons, including the media coverage of economic crimes, the politicization of reactions to these crimes, the lack of public awareness and the state economy, and pragmatism. Findings indicate that pragmatism in the field of substantive policy on combating economic crimes in criminalization is based on events, determining the guarantee of criminal execution according to the requirements of society, legislation by an institution other than the legislature and the basis of Government security is manifested in criminality. The research method in this research is descriptive-analytical and in collecting its data, in addition to analyzing the rules and regulations, the discourse of criminal policymakers has been examined.

Keywords: Criminal Policy, Economic Crimes, Populism, Media, Pragmatism.

چکیده

تأکید نمادین بر موضوع مبارزه با جرائم اقتصادی و بی‌اعتنایی به نظریات کارشناسی و علمی سبب شده عمل گرایی به حوزه سیاست کیفری جرائم اقتصادی نفوذ پیدا کند. به گونه‌ای که کسب وجهه سیاسی توسط متولیان دولتی در نزد افکار عمومی از جمله اهداف اصلی آن‌ها در مبارزه با جرائم اقتصادی تلقی می‌شود. سیاست‌های عمل گرا که در برابر خردگرایی و رویکردهای منجیده و علمی مطرح می‌شوند با تأکید بر خواست مردم و مقتضیات روز جامعه، در برابر مسائل و مشکلات راهکارهایی مقطعی اتخاذ می‌نمایند. بررسی سیاست کیفری ایران در جرائم اقتصادی نشانگر آن است که به دلایل مختلف از جمله رسانه‌ای شدن جرائم اقتصادی، سیاسی شدن واکنش‌ها در جرائم مزبور، ضعف آگاهی عمومی و اقتصاد دولتی، عمل گرایی به حوزه جرائم اقتصادی نفوذ پیدا کرده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که عمل گرایی در حوزه سیاست‌گذاری ماهوی پیرامون مبارزه با جرائم اقتصادی در جرم‌انگاری‌های مبتنی بر رویدادهای پیش آمده، تعیین ضمانت اجرای کیفری با توجه به مقتضیات روز جامعه، قانونگذاری توسط نهادی غیر از قوه مقننه و مبنای قرار دادن امنیت حکومت در جرم‌انگاری تجلی یافته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری داده‌های آن علاوه بر تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات، گفتمان سیاستگذاران کیفری مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، جرائم اقتصادی، عوام‌گرایی، رسانه، عمل گرایی.

Received: 2024/11/17 - Review: 2025/01/23 - Accepted: 2025/003/07

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

ارجاع:

علی اکبری، رستم؛ چراغی، آرزو؛ مرادی، ارسلان؛ (۱۴۰۳)، جستاری در علل ظهور عمل گرایی در سیاست کیفری جرائم اقتصادی، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

پراگماتیسم^۱، نظر یا گرایشی آشنا در فلسفه است که در زبان فارسی معادل عمل گرایی می‌باشد. این گرایش با رویکردانی از اصول ثابت معتقد است، این شرایط است که چگونگی رفتار و عمل را تعیین می‌کنند و در عمل بایستی دید که منافع در کدام جهت تأمین می‌شود. بدین ترتیب، روزمرگی و ویژگی بارز رویکردهای عمل گرا محسوب می‌شود. امری که سبب می‌شود مصلحت گرایی جایگزین واقع گرایی و خردگرایی گردد.

هرچند موضوع جرائم اقتصادی و لزوم مبارزه با آن در دهه‌های اخیر همواره یکی از دغدغه‌های مسئولان و دولتمردان در ایران بوده است اما رویارویی با این پدیده هر از چندگاهی به طور مقطعی مطرح و پس از چندی بدون دستیابی به نتیجه‌ای به فراموشی سپرده شده است. بدین ترتیب، تأکید نمادین بر موضوع مبارزه با جرائم اقتصادی و بی‌اعتنایی به نظریات کارشناسی و علمی سبب شده عمل گرایی به حوزه سیاست کیفری جرائم اقتصادی نفوذ پیدا کند. به گونه‌ای که کسب وجهه سیاسی توسط متولیان دولتی در نزد افکار عمومی از جمله اهداف اصلی آن‌ها در مبارزه با جرائم اقتصادی تلقی می‌شود. علت اصلی چنین گرایشی در میان سیاستگذاران آن است که جرائم اقتصادی سبب کاهش اعتماد به دولت شده و آن‌ها را وادار می‌نماید تا نقش مؤثری در مبارزه با این جرائم در افکار عمومی از خود به جای گذارند؛ چنین رویکردی مبارزه واقعی

1- Pragmatism

با جرائم اقتصادي را تحت الشعاع قرار داده و آن را به روش هاي عوام گرايانه سوق مي دهد.

نظام هاي سياسي در دنيا از زواياي متعددي به مسئله جرائم اقتصادي نگاه مي کنند و بر مبناي همين اختلاف ديدگاه ها نيز راهکارهاي متفاوتي براي مقابله با جرائم اقتصادي در پيش مي گيرند، اما در اصل و با توجه به آنچه در عرصه سياستگذاري کيفري در حوزه اقتصاد قابل طرح است، بهره گيري از مباني و اصول خاصي است که چهارچوب هاي مشخصي را براي سياستگذاري کيفري تدارک مي بينند. در نظام هاي اقتصادي و کيفري، براي جرائم اقتصادي، مجازات خاصي در نظر گرفته مي شود که البته ريشه در ساختار مذهبي و فرهنگي جامعه نيز دارد، اما از سوي ديگر، وضع مقرراتي که بتواند عدالت را در جامعه برقرار نمايد و منجر به سازوکارهاي مدوني براي مقابله با اخلاکگران اقتصادي گردد، نيازمند استفاده از سياستگذاري کيفري است (خوانين زاده و بهشتي، ۱۴۰۱، ۱۶۹).

مطالعات مختلف نشانگر آن است که سياست کيفري کنترل و مبارزه با جرائم جنسي، جرائم مواد مخدر، جرائم جوانان و جرائم خشونت آميز از مهم ترين حوزه هاي نفوذ اندیشه هاي عوام گرايانه کيفري در اغلب کشورها بوده اند. با اين حال، شرايط اقتصادي، سياسي و اجتماعي ايران سبب شده خصوصيات و پيامدهاي اين رويکرد در جرائم اقتصادي نيز ظهور پيدا کند. نفوذ عوام گرايي به حوزه سياستگذاري اين جرائم موجب شده راهکارهاي علمي و نظرات کارشناسان و متخصصان کنار گذاشته شده و سياست هاي زودبازده و مقطعي که اصولاً نتيجه توسل به جرم انگاري و کيفرگذاري مي باشند مورد توجه قرار گيرند. سياست زدگي مبارزه با جرائم اقتصادي نيز سبب مي شود با آشکار شدن ناکامي اين رويکرد در مبارزه با جرائم، همچنان اين تدابير به کار گرفته شوند. به رغم غلبه رويکردهاي سختگيرانه در سياست هاي عمل گرا، در مواردی سياستگذاران با ساده انگاري و رويکردهاي سهل گيرانه، واقعيت هاي موجود را نادیده انگاشته و شيوه هاي مؤثر و قاطعي در رويارويي با جرائم اقتصادي به کار نمي بندند. با اين حال، اتخاذ تدابير سهل گيرانه نيز همانند سياست هاي سخت گيرانه بدون لحاظ اصول منطقي و علمي و تحت تأثير فضاي سياست زده صورت مي گيرد.

۱- مفاهيم

نامأنوس بودن مفهوم عمل گرايي در ادبيات حقوقي، قرابت اين اصطلاح با برخي مفاهيم مشابه و حتي بعضاً معادل گرفتن برخي از آن ها در منابع حقوق کيفري و جرم شناسي سبب شده تا مفاهيم مزبور مورد

بحث و مطالعه قرار گیرند. لازم به ذکر است با توجه به این که تعاریف مشخص و جامعی که در ارتباط با حقوق کیفری باشند از مفاهیم مزبور ارائه نشده است، در بررسی این مفاهیم سعی شده تا بعد از بیان مختصری در باب معنای لغوی و اصطلاحی، به ویژگی‌های آن‌ها اشاره شده تا مفهوم اصطلاح‌های مزبور به روشنی تبیین گردند.

۱-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی عمل گرایی

واژه پراگماتیسم برگرفته از Pragma به معنای کنش یا عمل می‌باشد (صدری افشار، ۱۳۸۸، ۱۹۲۳). فرهنگ لغت‌های عمومی انگلیسی، در بیان مفهوم این واژه آن را رویکرد یا شیوه‌ای عملی نسبت به مشکلات و امور به جای اتکاء به تئوری‌ها و نظریه‌های ثابت دانسته‌اند. در فرهنگ‌های علوم سیاسی نیز پراگماتیسم معادل عمل گرایی و مصلحت گرایی دانسته شده است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳، ۵۳۰) و (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۱، ۲۱۵).

این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۸۹۸ میلادی توسط «ویلیام جیمز» فیلسوف و روانشناس آمریکایی به کار رفت. وی معتقد بود باید از جنبه‌های نظری محض که فایده عملی و آثار و نتایج عینی، ملموس و قابل اجرا ندارند چشم پوشید. بدین ترتیب، به اعتقاد جیمز برای تشخیص صحیح از سقیم و حقیقت از غیرحقیقت به جای آن که موضوعی از لحاظ نظری مورد مطالعه و استدلال قرار گیرد، باید به اثر عملی و نتیجه آن توجه شود (جیمز، ۱۳۷۱، ۴۳). به عبارت دیگر، عقیده‌ای ممکن است مدتی به کار آید و مؤثر واقع شود اما بعداً ممکن است نتایج رضایت بخش نداشته و به نظریه‌ای باطل و خطا تبدیل گردد. در چنین تفکری هر نظریه یا روشی در جریان آزمایش و بر حسب نتیجه آن در عالم واقع، مؤثر و مفید بودن و یا خطا بودن آن معلوم می‌شود (کیوانفر، ۱۳۸۶، ۱۵۲). به همین جهت جرقه‌های فلسفه‌ای که از اصالت مصلحت عملی و ادعای قابلیت تحقق دم می‌زد در حکم انقلابی محسوب می‌شد که واکنشی گسترده به فلسفه‌های کلان محور و بی‌توجه به زندگی روزمره به شمار می‌آمد (رهبری، ۱۳۹۰، ۱۲۷).

رویکردهای عمل گرا نقش عقل را در کشف و تبیین حقایق نادیده گرفته و در برابر خردگرایی و شیوه‌های سنجیده و علمی مطرح می‌شوند. در واقع، تأکید افراطی بر تجربه سبب شده این رویکرد معتقد به عقاید جزمی خاصی نبوده و به پرداختن به مسائل و مقتضیات روز قناعت نماید. حال آن که اطلاع از صحیح یا خطا بودن یک شیوه بعد از تجربه سودی نخواهد داشت؛ زیرا دستیابی به چنین نتیجه‌ای بعد از

صرف وقت و در بر داشتن هزینه‌های گزاف، رویکردی غیرمنطقی و نسنجیده شمرده خواهد شد. در عمل گرایی حقیقت و مصلحت امری واحد انگاشته می‌شوند. در صورتی که مصلحت را معیار حقیقت قرار دادن به منزله انکار حقیقت است؛ زیرا در هر صورت حقیقت در دنیای واقع وجود دارد، هرچند در ظاهر به مصلحت نباشد (سلیمی، ۱۳۸۲، ۴۱). به همین دلیل عمل گرایی نماد سطحی نگری، فرصت طلبی و دوری گزینی از آرمان می‌باشد (معینی علمداری، ۱۳۹۱، ۲۱۴).

در واقع، در رویکردهای عمل گرا این شرایط است که چگونگی عمل و رفتار را تعیین می‌کنند و بایستی دید منافع در کدام جهت تأمین می‌شوند تا صالح بودن یا نبودن اتخاذ یک رفتار مشخص گردد. از این منظر سیاست‌های عمل گرا جفایی بر انسان و حقوق بشر محسوب می‌شوند، زیرا در این نگرش هدف، وسیله را توجیه کرده و سیاستگذاران عمل گرا از هر راه و شیوه‌ای برای دستیابی به اهداف استفاده می‌کنند (سبزیان موسی آبادی و بهمن، ۱۳۸۹، ۱۱۸).

در علم حقوق، پراگماتیسم از زیرشاخه‌های مکتب پوزیتیویسم حقوقی^۲ محسوب می‌شود. پوزیتیویست‌ها در مبنای مشروعیت قوانین بر امور عینی و واقعیت‌های ملموس و مادی مانند خواست مردم، افکار عمومی، فایده و سودمندی به جای معیارهای ارزشی همچون عدالت تکیه کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۷۵)؛ حال آن که تأکید بر امور عینی و واقعیت‌های زندگی اجتماعی به‌عنوان مبنای مشروعیت قوانین سبب خواهد شد، اصول و ارزش‌های ثابت و کلی به دست فراموشی سپرده شوند. در این صورت، هیأت حاکمه ممکن است به ادعای مطابقت با شرایط اجتماعی و اقتصادی قوانین ناعالانه‌ای را به مردم تحمیل کند. به همین جهت در عمل گرایی، عینیت حقیقت و مصلحت، اعتماد افراطی به تجربه و فقدان ملاک مطلق و ثابتی برای ارزیابی سبب مصلحت گرایی به جای عدالت گرایی شده و بدین ترتیب مصلحت حقیقی نادیده انگاشته می‌شود.

۲-۱- مفاهیم مشابه عمل گرایی

واژه پوپولیسم^۳ برگرفته از واژه populus یا popularis (خلق یا مردم) به معنای عوام گرایی یا مردم گرایی است (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۱، ۲۱۳). مطابق تعریف فرهنگ لغت کمبریج از این واژه، پوپولیسم عبارت

2- Legal Positivism

3- Populism

است از «گرایش‌ها و اقدامات سیاسی با هدف بیان نیازها و خواست مردم عادی».^۴ عبارت پوپولیسم در ابتدا برای حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی مدافع حقوق گروه‌های فرودست در ایالات متحده آمریکا و روسیه به کار می‌رفت و به هیچ وجه بار منفی نداشت. با این حال در ادامه، رویه‌ای که رهبران این جنبش‌ها در جهت تحقق اهداف خود و یا پس از تحقق آن‌ها به کار بردند، نشانگر آن بود که طرفداران حرکت‌های عوام گرا هر زمان که به نفع شان باشد به احساسات مردم گرایانه متوسل شده و پس از نیل به اهداف خود از طریق به کارگیری تمامی روش‌های ممکن، به مطالبات مردم بی‌اعتنا و حتی در برخی موارد که به نفع شان نباشد به تقیب احساسات مردم گرایانه خواهند پرداخت. چنین رویه‌ای سبب شد، عوام گرایی به تدریج مفهوم مثبت خود را از دست داده و جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم از ویژگی‌های اصلی آن محسوب شود (تاگارت، ۱۳۸۱، ۱۵۱).

در عوام گرایی باورها و اعتقادات مردم نقش بارزی در تدوین سیاست‌ها ایفاء نموده و در هر زمینه‌ای که میان ارزش‌های مورد قبول نخبگان و احساسات و مطالبات عمومی، نوعی تقابل وجود داشته باشد، عوام گرایی فرصت بروز پیدا خواهد کرد. به عبارت دیگر، توسل به روش‌های عامه پسند برای حل مسائل و مشکلات جامعه ممکن است در عرصه‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... صورت گیرد که در این میان عوام گرایی کفیری^۵ یکی از موضوعات شایان توجه می‌باشد.^۶

وجه مشترک تمام گونه‌های عوام گرایی مستمسک قرار دادن خواست عمومی برای توجیه سیاست‌ها می‌باشد. از این رو، هرچند عدم توافق اندیشمندان بر تعریف واحد از عوام گرایی^۷ سبب شده تا در بسیاری از موارد تنها به بیان خصوصیات و ویژگی‌های این مفهوم بسنده شود، اما در تعریف آن می‌توان گفت: «عوام گرایی یعنی ساده انگاری مسائل فنی و پیچیده و دست کم گرفتن مطالعات کارشناسانه و

4- Cambridge Dictionary Online, entry: populism

5- Penal Populism

۶- در سیاستگذاری‌ها پیرامون اقتصاد ایران، ارتباط میان عوام گرایی اقتصادی و عوام گرایی کفیری غیرقابل انکار است. زیرا در دهه‌های اخیر سیاستمداران به جای اتخاذ راهکارهای بنیادین و بلندمدت برای حل مشکلات اقتصادی به راه‌حل‌های زودبازده و موقت که مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی است تمسک می‌جویند. از آن جا که پیامد اتخاذ سیاست‌های اقتصادی عوام گرا ناتوانی در حل مشکلات اقتصادی مردم است، سیاستگذاران با هدف پاسخگویی به افکار عمومی این بار به رویکردهای عوام گرا در راستای مبارزه با ناسامانی‌های حوزه اقتصاد و کنترل جرائم متوسل خواهند شد.

۷- در سال ۱۹۶۷ میلادی که کنفرانسی در شهر لندن با حضور چهل و سه اندیشمند جهت بررسی ابعاد و ویژگی‌های پوپولیسم برگزار شده بود، تلاش شد تا تعریف جامعی از این عبارت ارائه گردد اما در نهایت تعریف مشخص و جامعی ارائه نشد (تاگارت، ۱۳۸۱، ۲۸).

نظرات نخبگان در سياستگذاري ها، برنامه ريزي ها و ارائه راهکارهاي سريع، زودبازده و ناپايدار» (نجفي ابرندآبادي، ۱۴۰۰، ۴۹).

از آن جا که غير کارشناسي بودن رويکردهاي عوام گرا سبب مي شود در درازمدت ناکارآمدي سياست ها آشکار شود، عوام گرايان تلاش خواهند کرد تا با معرفي گروه هايي به عنوان دشمن و انتساب ناکامي ها به آن ها خود را از مسئوليت شکست و ناکارآمدي سياست هاي اتخاذ شده مبري نمايند. کارشناسان^۸ و نخبگان^۹ از جمله گروه هايي هستند که از منظر عوام گرايان دشمن تلقی می شوند. به اعتقاد آن ها اين گروه نسبت به واقعيات زندگي روزمره و مطالبات عموم مردم بي اعتنا بوده و سياست هايي را پيشنهاده مي کنند که حقوق و مطالبات اکثريت اعضاي جامعه را نادیده می گیرند (Pratt, 2008, 10). از اين رو، نهادهاي جامعه مدني مانند مطبوعات، رسانه ها و احزاب سياسي با اطلاع رساني مطلوب و شفاف سازي مي توانند نقش عمده اي در ممانعت از پيش روي هر چه سريع تر سياست هاي عوام گرا ايفاء نمايند. اطلاع رساني و آگاهي بخشي سبب مي شود مردم به سهولت جذب وعده هاي سياستمداران نشده و دولت ها نيز با منتقداني آگاه مواجه خواهند بود که روند انحرافات در تصميم گيري و سياست ها را به آن ها گوشزد خواهند نمود (پرت، ۱۳۹۲، ۱۲).

اگر چه عوام گرایی ابتدا در حوزه علوم سياسي مطرح گرديد اما از آن جا که در بسياري از جوامع سياستمداران نقش مهمي در سياستگذاري کيفري بر عهده دارند، روي کارآمدن سياستمداران عوام گرا سبب شده تا ديدگاه هاي عوام گرايانه به حوزه سياست کيفري گسترش پيدا کند. بدین ترتیب، مباحث راجع به نظم و قانون هم در گفتمان مردم و هم در گفتمان سياستمداران موضوعي مهم و قابل توجه گشته است. نمادهاي اوليه ظهور عوام گرایی کيفري رويکردهاي سخت گيرانه اي است که از دهه ۱۹۷۰ ميلادي به بعد پديدار شدند. اما ابتدا در سال ۱۹۹۵ ميلادي «آنتوني ادوارد باتمز» براي نخستين بار اصطلاح سخت گيري عوام گرا^{۱۰} را به کار برد. از ديدگاه وي سخت گيري عوام گرا بيانگر آن است که سياستمداران آنچه را از ديدگاه خود برداشت کيفري عموم مردم مي پندارند اجرا مي کنند، حال آن که فعاليت هايي که انجام مي دهند در جهت اهداف خودشان است. به اعتقاد وي اکثر سياستمداران با استناد به اين که عموم مردم رويکرد سخت گيرانه دارند گرايش به شدت عمل کيفري دارند. در صورتي که ممکن است نظر مردم اين گونه نباشد و تنها از آن جهت که

8- Experts

9- Elites

10- Punitiveness Populist

رویکردهای سخت گیرانه در راستای اهداف سیاستمداران است، آنها وانمود کنند که چنین واکنش‌هایی خواست عموم مردم است (Pratt, 2008, 369).

بدین ترتیب، عوام گرایی کیفری زمانی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری^{۱۱} برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرائم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به جای یک واکنش مناسب و سازمان یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی^{۱۲} و رسانه‌های گروهی^{۱۳} عموماً به نشان دادن شدت عمل بیشتری از خود مجبور شوند تا به سهل انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند.

هرچند ابهام در چهارچوب مفهوم عوام گرایی و عدم اتفاق نظر در ارائه تعریفی واحد از اصطلاح مزبور سبب شده، اندیشمندان در آثار خود به بیان برخی از ویژگی‌های عوام گرایی کیفری بسنده نمایند (Roberts, 2003, 7). اما بررسی ویژگی‌های این مفهوم می‌تواند جهت ارائه تعریفی نسبتاً روشن راهگشا واقع گردد:

اول- وجه بارز عوام گرایی کیفری دوری گزینی از عقاید نخبگان علمی و کارشناسان و استناد به افکار عمومی و مطالبات آنها است. به همین دلیل تحت تأثیر این رویکردها، سیاست‌هایی اتخاذ می‌شوند که همسو با نظرات مردم باشند تا از این طریق ضعف شدید مبنای نظری سیاست‌ها تا حدودی توجیه شود. حال آن که افکار عمومی فارغ از اطلاعات تخصصی در این زمینه، عمدتاً تحت تأثیر رسانه‌ها بوده و مبنای قرار دادن آن در سیاستگذاری‌ها پیرامون موضوعات عدالت کیفری، نوعی سطحی‌نگری و تضعیف فرصت تلقی خواهد شد. زیرا در بسیاری موارد، مردم تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها از راهکارهای غیرواقع گرایانه و عمدتاً احساسی و هیجانی حمایت می‌کنند. در صورتی که اگر همین مردم با زوایای پیدا و پنهان فرآیند کیفری، علل اصلی ارتکاب جرائم و هزینه‌های نظام عدالت کیفری آشنا شوند و اطلاعات بیشتری در این زمینه در اختیار آنها گذاشته شود، دیدگاه آنها تغییر یافته و واقع بینانه‌تر خواهد شد.

دوم- از آن جا که مطابق رویکردهای عوام گرا در سامان‌دهی به مشکلات و رویدادهای پیش آمده، جلب افکار عمومی نقش مهمی ایفاء می‌کند، اقدامات صورت گرفته بدون توجه به کارآمدی و اثربخشی

11- Criminal Justice System

12- Public Opinions

13- Mass Media

برنامه‌ها بوده و تنها جنبه مسکن برای مهار موقت بحران خواهند داشت. به همین جهت، واکنش به جای کنش در مقابل پدیده‌های مجرمانه و انتخاب ساده‌ترین پاسخ از ویژگی‌های بارز رویکردهای عوام گرایی کیفری محسوب می‌شوند.

سوم- اصولاً کلیه واکنش‌های نهاد عدالت کیفری که ویژگی‌های عوام گرایانه دارند در جهت تشدید مجازات‌ها و سختگیری کیفری گام نهاده اند؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد سیاست‌های سختگیرانه، سازوکار رویکردهای عوام گرایی کیفری برای مبارزه با جرائم محسوب می‌شوند. گواه چنین ادعایی در اثر «جان پرت» که از اندیشمندان حوزه عوام گرایی کیفری محسوب می‌شود، این گونه تجلی یافته است: «عوام گرایی کیفری مسیری است که در آن مجموعه‌ای از گروه‌های طرفدار نظم و قانون، مطبوعات زرد^{۱۴}، اندیشمندان جناح راست و تعداد اندکی از دانشگاہیان پیام تسامح صفر^{۱۵} را که در سیاست‌های دولت نفوذ پیدا کرده است اشاعه می‌دهند (Pratt, 2008, 364).

چهارم- در توجیه رویکردهای سختگیرانه عوام گرا جامعه به دو گروه خودی^{۱۶} و دیگری^{۱۷} تقسیم می‌شود. گروه خودی مشتمل بر اکثریت جامعه و شهروندانی است که مطیع قانون^{۱۸} محسوب می‌شوند. در حالی که دسته دیگر، مجرمین و در واقع دیگران خطرناکی هستند که هنجارهای مورد پذیرش اکثریت را نقض نموده و به همین دلیل باید از جامعه دور شده و رویکردهای سختگیرانه در مورد آن‌ها به اجرا درآید (Duff, 2010, 302). به عبارت دیگر، عوام گرایی کیفری بر این باور است که تجربه ناموفق سیاست‌های اصلاح و درمان در دهه‌های گذشته نشانگر آن است که مجرم اصلاح نشدنی بوده و صرف هزینه جهت درمان او بی‌فایده است. به همین جهت با استفاده از راهکارهایی که موجب طرد وی از جامعه می‌شوند، بایستی خطر حضور او در جامعه را از بین برد.

با توجه به ویژگی‌های فوق، در تعریف عوام گرایی کیفری می‌توان گفت، عوام گرایی کیفری رویکردی است که بر اساس آن سیاست‌گذاران و مسئولان نظام عدالت کیفری در پاسخ به پدیده مجرمانه در راستای کسب مشروعیت و قدرت سیاسی و یا تثبیت آن، دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم را مکرراً مورد استناد قرار داده و با بی‌اعتنایی به یافته‌های علمی و دیدگاه‌های کارشناسان، سیاست‌هایی را در پیش می‌گیرند که

14- Tabloid Press

15- Zero Tolerance

16- Self

17- Others

18- Law abiding

تنها همسو با جهت گیری‌های مردم بوده و اثربخشی و کارآمدی آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود. در واقع، سیطره فضای احساسی، هیجانی و رسانه‌ای بر رویکردهای عوام گرا سبب می‌شود، سیاست‌های اتخاذ شده حتی در مواردی که فقدان اثربخشی آن‌ها به اثبات رسیده به دلیل عدم ارزیابی و برآورد نتایج، همچنان در قبال پدیده‌های مجرمانه مورد استفاده سیاستگذاران قرار گیرد. حال آن که اقتضای رویکردی سنجیده و عقلانی آن است که کارنامه سیاست کیفری پس از مدتی ارزیابی شده و با توجه به کارآمدی و یا عدم تأثیر مثبت سیاست‌های مزبور، مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۱۷۴۲).

از بررسی مفاهیم مزبور چنین نتیجه می‌شود که عوام گرایی کیفری یکی از جلوه‌های عمل گرایی و به عبارت دیگر، بارزترین جلوه آن است. در واقع، سیاستگذاران در بسیاری از موارد با توجیهات مصلحت گرایانه و عمل گرایانه به اتخاذ رویکردهای عوام گرایانه خود مشروعیت می‌بخشند. به همین جهت، سیاست کیفری عوام گرا در بسیاری از موارد می‌تواند ذیل عنوان عمل گرایی مورد بررسی قرار گیرد.

وجه بارز رویکردهای عمل گرا، اتخاذ سیاست‌ها با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و یا به اصطلاح روزمره بودن سیاست‌ها می‌باشد. از این رو، مشتمل بر تدابیر سهل گیرانه و سختگیرانه می‌باشند، اما عوام گرایی کیفری با توجه به خصوصیات و ویژگی‌هایی که اندیشمندان برای آن برشمرده اند، دربرگیرنده رویکردهای سختگیرانه و تنبیهی بوده و به عبارت دیگر، مفهوم مضیق تری از عمل گرایی را دربرمی گیرد. بنابراین، می‌توان گفت از لحاظ منطقی رابطه میان دو مفهوم مزبور عموم و خصوص مطلق خواهد بود اما از آن جا که حمایت از رویکردهای ارفاقی و تسامحی تنها در برخی موارد خاص و استثنایی صورت می‌گیرد، در عمل گرایی نیز بیشتر شاهد سیاست‌های سختگیرانه خواهیم بود. چنین امری سبب شده تا حتی در این زمینه برخی معتقد باشند در کنار عوام گرایی کیفری، رویکرد ملایمت کیفری عوام گرا^{۱۹} نیز مطرح می‌شود که برخلاف جلوه‌های عوام گرایی کیفری مصادیق آن بسیار اندک است. به زعم این افراد از آن جا که هدف اصلی سیاستمداران کسب مشروعیت سیاسی است، چنانچه در شرایطی خاص راه حل دستیابی به مقبولیت در نزد افکار عمومی، توسل به رویکردهای ملایم و سهل گیرانه باشد، به سیاست‌های مزبور متوسل خواهند شد (Jones, 2010, 366).

به نظر می‌رسد با توجه به پیشینه مفهوم عوام گرایی کیفری، قائل شدن مفهوم عوام گرایی به دو دسته رویکردهای سهل گیرانه و سختگیرانه تا حدودی با مسامحه صورت گرفته باشد. زیرا همان گونه که در

بیان ویژگی‌های عوام گرایی کیفری بیان شد، رویکردهای سختگیرانه در قبال مجرمان از جمله خصوصياتی محسوب می‌شوند که در پیشینه مفهوم عوام گرایی کیفری نهفته است. بنابراین، هر گاه سیاستگذاران کیفری با کنار گذاشتن واقع گرایی، از تدابیر مبتنی بر تسامح حمایت می‌کنند در واقع تحت تأثیر عمل گرایی از رویکردهای سنجیده و علمی فاصله گرفته‌اند. با این وجود، از آن جا که اتخاذ تدابیری که روزمرگی و فقدان مبنای کارشناسی وجه بارز آن‌ها شمرده می‌شوند، سبب شده بسیاری از اوصاف رویکردهای عمل گرا در عوام گرایی کیفری نیز مشاهده شود، در نوشتگان حقوقی این دو مفهوم معادل دانسته شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ۴۳).

۲- عمل گرایی و علل ظهور آن در سیاست کیفری جرائم اقتصادی

سیاست کیفری همان چگونگی به کار بستن قوانین و مقررات کیفری ماهوی و شکلی در سیستم عدالت کیفری در جهت مبارزه و سرکوب جرائم است. این تعبیر با مفهوم سیاست جنایی به معنای گستره‌ای از تدابیر سازمان یافته کیفری و غیر کیفری که توسط نهادهای دولتی و غیردولتی در رویارویی با بزهکاری اتخاذ می‌شود متفاوت و در واقع مفهوم مضیق‌تری از آن است (عظیم زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰، ۱۱۹). بروز و گسترش سیاست کیفری عمل گرا در جرائم اقتصادی مستلزم فراهم بودن برخی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که پیش از پرداختن به جلوه‌های آن، علل ظهور این رویکرد در جرائم مزبور مورد بررسی قرار خواهند گرفت. به رغم عدم ارائه تعریف مشخص از جرائم اقتصادی در سیاست کیفری تقنینی ایران، بررسی مقررات کیفری نشانگر آن است که جرائم اقتصادی به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی در بستر نظام اقتصادی تولیدی، توزیعی، پولی، ارزی، مالیاتی و... علیه آن ارتکاب یافته و در نتیجه موجب اختلال در فعالیت‌ها و نظام اقتصادی می‌گردند.

۲-۱- رسانه‌ای شدن جرائم اقتصادی

افکار عمومی ضمیر باطنی یک ملت است و شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای عموم مردم است. این قدرت گمنام که در هیچ قانون اساسی پیش بینی نشده است، بیانگر قضاوت‌های یک جامعه یا ملت نسبت به مسائل روز است (غفوری و کمالی، ۱۳۸۹، ۱۷۳). به عبارت دیگر، هنگامی که در جامعه مسئله‌ای مطرح و آن مسئله برای عموم مردم واجد اهمیت تلقی شود، در نهایت یک فکر عمومی راجع به آن موضوع شکل می‌گیرد (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰، ۱۸۲). در این میان رسانه‌های

گروهی در تمامی مراحل شکل‌گیری افکار عمومی از پیدایی آگاهی در میان مردم تا قضاوت نهایی فعال هستند (دادگران، ۱۳۸۲، ۳۲).

اما به همان اندازه که درک افکار عمومی دشوار است، درک نقش رسانه‌های گروهی در شکل‌گیری افکار عمومی نیز دشوار می‌باشد. زیرا در هر حال رسانه‌ها راه نفوذ پیام خود به افکار عمومی را خواهند یافت و آنچه سبب می‌شود ارزیابی تأثیرات احتمالی رسانه پیچیده‌تر گردد، بازتاب اخبار مزبور در جامعه و تفسیری است که مخاطبان از آن دارند (Boda and Szabo, 2011, 328).

رسانه‌ها می‌توانند حادثه‌ای مهم را کم اهمیت جلوه داده و توجه افکار عمومی را تا حدودی از آن منحرف نمایند. در نقطه مقابل چنین رویکردی، رسانه‌های گروهی به سادگی می‌توانند با ملتهب‌شان دادن فضای جامعه به واسطه ارتکاب جرائم سبب شوند تا مردم بیش از حد معمول نسبت به وقوع جرائم احساس ناامنی نمایند (غلامی و رحیمی، ۱۳۸۸، ۱۵۶). در این حالت، شیوه‌ای که رسانه‌ها برای تبیین و توصیف جرائم به کار می‌برند این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که آمار جرائم بیشتر شده و بنابراین مجازات‌های شدیدتری در پاسخ به جرائم مورد نیاز است. بدین ترتیب، تحت تأثیر فشار افکار عمومی و پوشش سطحی و گاه سیاست زده اخبار توسط رسانه‌های گروهی، مسیر توسل به مداخلات کیفری برای حل معضلات اجتماعی هموار شده و مسئولان عدالت کیفری بدون ارزیابی علمی، رویکردی سزاگرایانه اتخاذ می‌نمایند. راهکاری که به نظر می‌رسد سازوکار مبارزه و کنترل جرائم را به سمت و سوی راه‌حل‌های ساده و عوام‌گرا سوق خواهد داد.

در بازنمایی اخبار جرائم در رسانه‌ها به نظر می‌رسد، جرائم اقتصادی برخلاف جرائم خشونت‌آمیز و جنسی در اولویت انتشار در رسانه‌ها قرار نمی‌گیرند. علت اصلی چنین رویکردی موقعیت و نفوذ ویژه مرتکبین این جرائم است که سبب خواهد شد رسانه‌ها با احتیاط ویژه‌ای به پوشش خبری جرائم مزبور بپردازند. به علاوه، پایین بودن نرخ ارتکاب جرائم اقتصادی در غرب که از نتایج مداخله اندک دولت‌ها در حوزه اقتصاد است، سبب شده جرائم مزبور اهمیت و ارزش خبری معادل جرائم عمومی نداشته باشند. علاوه بر این، به اعتقاد برخی اندیشمندان، قدرت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برای مدیریت رسانه‌های گروهی به نفع خود سبب شده تا اغلب، پوشش خبری جرائم آن‌ها با مسامحه صورت گیرد. کنترل اخبار رسانه‌ها پیش از محاکمه با کاهش آگاهی عمومی راه را برای مقام تعقیب و سیاستگذاران هموار می‌کند تا اقدامات علیه افراد بانفوذ را متوقف ساخته و از این طریق از ورود صدمه به شهرت و اعتبار افراد مزبور که

در واقع بخشي از اهداف بازدارندگي مجازات‌ها در جرائم يقه سفيد^{۲۰} است، ممانعت نموده و يا آن را کاهش دهند (Levi, 2006, 1037).

در ايران در دهه‌هاي اخير به علت شرايط اقتصادي و به ويژه فضاي سياسي حاکم بر جامعه، مبارزه با جرائم اقتصادي به يکي از مباحث مهم و حتي مطالبات اساسي مردم تبديل شده است. در اين مسير، رسانه‌ها در شکل گيري افکار عمومي پيرامون بزهکاري اقتصادي و تصور مردم از نهادهاي عدالت کيفري نقش به سزاي دارند. زيرا سبب حساس شدن افکار عمومي و دولتمردان نسبت به ماهيت، وسعت و آثار ويرانگر جرائم مزبور خواهند شد. علت چنين حساسيتي در افکار عمومي آن است که جرائم اقتصادي توسط افرادي از طبقات مرفه و داراي نفوذ و قدرت صورت مي گيرند. اگر چه ممکن است اين قبيل جرائم در مقايسه با جرائم طبقه متوسط و پايين جامعه کمتر در رسانه‌ها مطرح شوند اما شخصيت، قدرت و احياناً ارتباط نزديک مجرم با فردي صاحب نفوذ سبب خواهد شد، مردم جامعه به اخبار جرائم اقتصادي حساسيت نشان داده و آن را پيگيري نمايند (سيدزاده ثاني، ۱۳۹۰، ۱۳۳).

علت ديگر حساسيت افکار عمومي به جرائم اقتصادي آن است که مبارزه با جرائم اقتصادي در شرايط فعلي به دليل فشارهاي شديد معيشتي بر مردم به شدت مورد توجه آن‌ها است و افکار عمومي خواستار آن است که اين دسته از مجرمان در برابر قانون گريزي مصون از تعقيب نباشند. رسانه‌ها نيز مبارزه با جرائم اقتصادي را به عنوان يکي از مطالبات اساسي مردم مطرح کرده و دولتمردان عمل گرا را به سوي واکنش‌هاي مقطعي، عامه پسند و غالباً کيفرگرا سوق خواهند داد؛ به عبارت ديگر، در اين شرايط سياستمداران و دولتمردان در واکنش به افکار عمومي و براي جلب اعتماد آن‌ها بر اساس مصلحت و شرايط به دنبال اقدامات و تصميماتي خواهند رفت که زودبازده بوده و همين امر منجر به واکنش‌هاي مقطعي و بدون مبنای علمي آن‌ها خواهد گرديد.

نبايد از اين نکته غافل شد که سياستگذاران و دست اندرکاران عدالت کيفري مي خواهند به مردم جامعه اطمينان خاطر در زمينه کنترل و مبارزه با جرائم اقتصادي را منتقل کنند، به همين دليل در برخي موارد نگاه ژورناليستي رسانه‌ها به جرائم و برجسته سازي وقايع مجرمانه توسط آن‌ها سبب مي شود بازتابي اغراق آميز از جرائم را منعکس کنند، از ايجاد نگراني براي مردم منع مي کنند. به همين علت مقام معظم رهبري به رغم آن که هر گونه اطلاع رساني به افکار عمومي در زمينه جرائم اقتصادي را لازم دانسته اند اما

تأکید نموده‌اند که این مهم بایستی به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان دادن به افکار عمومی در نظر گرفته شود (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۰، ۴۱). در این زمینه انتقاد ایشان نسبت به بازتاب رسانه‌ای پرونده موسوم به فساد سه هزار میلیارد تومانی قابل ذکر است. بازتاب اخبار مربوط به این موضوع در مطبوعات به گونه‌ای بود که مقام معظم رهبری به ناچار نسبت به تحریک افکار عمومی موضع‌گیری فرمودند و ادامه جنجال‌ها و هیاهوهای ایجاد شده در نتیجه انعکاس گسترده این اخبار را به مصلحت ندانستند.

۲-۲- سیاسی شدن واکنش‌ها در جرائم اقتصادی

در دهه‌های اخیر، افزایش احساس ناامنی و نگرانی نسبت به افزایش آمار ارتکاب جرائم سبب شده سیاستمداران در حوزه سیاستگذاری راجع به موضوعات مربوط به جرم، خواست مردم و افکار عمومی را مدنظر قرار دهند. این امر سبب تعامل بسیار میان سیاست کیفری و دنیای سیاست و تبدیل جرم از یک موضوع فنی به موضوعی سیاسی گشته است. به گونه‌ای که در کمتر مبارزات انتخاباتی، سیاستمداران و نامزدهای مشاغل سیاسی از مبارزه با جرم و حفظ نظم و امنیت سخن به میان نمی‌آورند. بدین ترتیب، بزه دیگر مسئله متولیان عدالت کیفری نیست بلکه به ابزاری سیاسی برای دولت‌ها تبدیل شده است (پیکا، ۱۴۰۰، ۹۹). چنانچه رابرتز و همکارانش در بیان ویژگی‌های عوام‌گرایی کیفری بر جذابیت‌های انتخاباتی سیاست‌های عوام‌گرا تأکید کرده و معتقدند تلاش سیاستمداران برای پیروزی در انتخابات سبب شده، کارآمدی برنامه‌ها نادیده گرفته شده و سیاست‌هایی که افکار عمومی را جلب می‌کنند اجرا شوند (Roberts, 2003, 7).

در این زمینه انتقادات وارد بر نظریه اصلاح و درمان مجرمان در دخالت دولت‌ها در سیاست‌های راجع به جرائم و ظهور رویکردهای عوام‌گرا نقش بسیاری ایفاء نمودند که اشاره‌ای مختصر به این نظریات جهت ارائه دورنمایی از پیشینه مداخله سیاستمداران در عرصه مبارزه با جرائم ضروری است. در دهه‌های ۱۹۷۰ میلادی و ۱۹۸۰ میلادی هزینه‌های بسیار رویکرد اصلاح و درمان و بحران اقتصادی وخیم دولت‌های رفاه سبب شد، ساختار دولت رفاه و اهداف اصلاحی-درمانی کیفر مورد تردید واقع شود. با این حال، انتشار نتایج برخی ارزیابی‌ها همچون نظریه کیفرشناسی «روبرت مارتینسون» با نام «هیچ چیز مؤثر نیست»^{۲۱} اهمیت زیادی در انتقادات وارد بر رفاه‌گرایی و رویکردهای بازپروری مجرمان ایفاء نمود و

عامل اصلی بازنگری گسترده در سیاست‌های راجع به جرم گردید (Cullen and Gendreau, 2001, 340). مطابق این نظریه، برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمان که بر عهده متخصصان کیفری گذاشته شده بود هیچ تأثیری نداشته و حتی در برخی موارد نتایج معکوس به بار آورده است. به همین دلیل، به رغم آن که سیاستمداران در دوره رفاه گرایی از هر گونه دخالت در حوزه سیاستگذاری کیفری اجتناب می‌نمودند، با بروز مشکلات اقتصادی و مالی دولت‌ها و مطالبات روزافزون مردم در زمینه تأمین امنیت و آسایش، به نظریه‌ها و سیاست‌های جدید در قبال جرم روی آوردند که ضمن بازگشت به اندیشه‌های کیفرگرا، رهیافتی عمل‌گرا به سوی هزینه کردن در نظام عدالت کیفری داشتند (ایروانیان، ۱۳۸۸، ۶۳).

در این رویکرد، سیاستگذاران با توجه به ناکارآمدی اقدامات اصلاحی، در راستای کسب حمایت مردم و اختصاص بودجه کمتری برای مجرمین، تدابیر تنبیهی و امنیتی شدید در برابر جرائم اتخاذ می‌نمایند. زیرا لازمه ایدئولوژی بازپروری، برخورد طولانی مدت با بزهکار در جهت اصلاح و درمان وی می‌باشد؛ در حالی که اکثر شهروندان خواستار آن هستند که برخورد سریع و شدید با مرتکبان جرائم صورت گیرد. در نتیجه، عدالت کیفری منعطف و صبور جای خود را به عدالت کیفری مبتنی بر عدم تسامح و به اصطلاح تسامح صفر^{۲۲} می‌دهد.

بدین ترتیب، با توجه به اهمیت جلب افکار عمومی، دولت‌ها و سیاستمداران در هنگام واکنش در برابر جرم، نظر کارشناسان را کنار نهاده و برای پاسخ به خواست عموم، قضاوت مردم را در پاسخ به جرائم مدنظر قرار می‌دهند. حال آن که مبنا قرار دادن خواست مردم به دلیل فقدان دانش کافی در زمینه‌های کیفرشناسی، جرم‌شناسی و همچنین جنبه‌های تخصصی مربوط به جرائم، سبب دور شدن از سیاست کیفری سنجیده و علمی و در مقابل روی‌آوری به سیاست‌های مقطعی، سطحی و نسنجیده خواهد شد. در واقع، به رغم این واقعیت که در جوامع دموکراتیک، توجه به خواست عمومی ضروری است، موضوعات مربوط به جرائم و مجازات‌ها از جمله مباحث تخصصی محسوب شده که نمی‌توان راه‌حل آن‌ها را به دست مردم سپرد. به همین جهت اندیشمندان معتقدند، اعمال مجازات‌های منطقی و مشروع مستلزم آن است که مانع تأثیر افکار عمومی در این فرآیند شویم (Zimring, 2001, 311).

در ایران به دلیل وجود نابسامانی‌های اقتصادی، فشارهای معیشتی مردم و مشکلاتی همچون بیکاری و

۲۲- تسامح صفر سیاستی است که در آن اجرای نظم و قانون در کوتاه زمان مدنظر قرار گرفته و نماد سیاست‌های سرکوبگر و سختگیرانه در حقوق کیفری است.

مسکن، موضوع جرم و مبارزه با پدیده مجرمانه آنچنان که در برخی کشورها تبدیل به یک ابزار سیاسی برای کسب آراء شده، چندان سیاسی نگردیده، اما در جرائم اقتصادی به نظر می‌رسد رویکردی متفاوت اتخاذ شده است. به گونه‌ای که موضوع جرائم اقتصادی و یا به تعبیر سیاستمداران، مفاسد اقتصادی به یکی از مسائل اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و عالی‌ترین مقام سیاسی کشور، رؤسای سه قوه و مسئولان عالی را متوجه خود نموده است. از جمله این موارد، صدور فرمان هشت بندی مقام معظم رهبری پیرامون مبارزه با مفاسد اقتصادی در تاریخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۰ است. صدور این فرمان در حالی صورت گرفت که ماجرای پرونده موسوم به اختلاس یکصد و بیست و سه میلیارد تومانی بانک صادرات در سال‌های ابتدایی دهه هفتاد در اذهان مردم فراموش نگردیده بود. ایشان در این فرمان به این نکته مهم اشاره نمودند که نباید در امر مبارزه با فساد، به گونه‌ای شعاری، تبلیغاتی و تظاهر گونه رفتار شود، بلکه به جای تبلیغات باید آثار و نتایج عمل مشهود بوده و به سراغ ریشه‌ها و عوامل اصلی فساد رفت (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۰، ۴۱).

تداوم فساد اقتصادی سبب تضعیف اعتقاد مردم به اراده سیاسی دولت در مبارزه با این پدیده گشته و با کاهش توانایی دولت در برآوردن مطالبات مردم در خصوص افزایش سطح رفاه مردم جامعه، منجر به زیر سؤال رفتن مشروعیت دولت و سلب امکان سیاستگذاری واقع بینانه می‌شود. از این رو، تأکید بر مبارزه با جرائم اقتصادی نباید سبب شود تا تحت تأثیر فشار افکار عمومی و یا اقداماتی با ماهیت سیاسی، بدون ارزیابی علل وقوع جرم، با شعارهایی اساساً تبلیغاتی و سیاسی به مقابله با جرائم اقتصادی پرداخت. هرچند بایستی میان سیاسی شدن رویکردها در حوزه کنترل جرائم و عزم و اراده سیاسی در مقابله با بزهکاری قائل به تفکیک شد. زیرا اتخاذ و اجرای برنامه‌ای بلندمدت در مبارزه با جرائم اقتصادی، مستلزم وجود عزم سیاسی خواهد بود.

بدین ترتیب، سیاستمداران به جای حل علمی و مطالعه شده بزهکاری اقتصادی، برای ماندن بر مسند قدرت و یا به دست آوردن قدرت به رویکردهای عوام گرا توسل می‌جویند. علت عمده چنین گرایشی در میان دولتمردان آن است که نتایج بررسی‌های علمی بزهکاری و اتخاذ راهکارهای کارشناسی و تخصصی، در درازمدت به بار می‌نشیند و برای سیاستمدارانی که در پی ارائه کارنامه مثبتی از خود در زمینه مبارزه قاطع با جرائم هستند نتایج موفقیت آمیزی به بار نمی‌آورد. به همین علت آن‌ها تلاش می‌کنند سیاست‌هایی را برگزینند که آثار آن در مدت زمانی کوتاه برای مردم محسوس بوده و تحت تأثیر این ملاحظات به شعارهایی عامه پسند که وعده سختگیری نسبت به مجرمان می‌دهد روی می‌آورند (Sanders, 1998, 540). حال آن که دغدغه غالب شهروندان جامعه آن است که سیستم عدالت کیفری در

قبال جرائم مزبور اثريخش باشد. سياستگذاران نيز ساده‌ترين راه پاسخگويي به اين خواست مردم را توسل به شيوه‌هاي کيفري و غالباً اقتدارگرا مي‌دانند (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ۲۷۸).

نبايد از نظر دور داشت در شرايطي که مبارزه با جرائم اقتصادي تحت واکنش‌هاي مقطعي و سياسي صورت گيرد، صاحبان سرمايه هيچ انگيزه‌اي براي سرمايه‌گذاري نداشته و آن را امري پرمخاطره تلقی خواهند کرد که از نتايج چنين امري، پديده فرار سرمايه است. فرار سرمايه از ميزان ثروت و بالطبع از ميزان درآمدهاي ناشي از ثروت کاسته و حجم ماليات‌هاي دريافتي توسط دولت کاهش مي‌يابد (گروه بررسي‌هاي اقتصادي معاونت طرح و بررسي‌هاي استراتژيک، ۱۳۸۲، ۱۰)، که در اين صورت احتمال توسل مجدد دولت به سياست‌هاي عمل گرا جهت حل مشکلات اقتصادي وجود خواهد شد.

۲-۳- ضعف آگاهي عمومي نسبت به پديده‌هاي حوزه اقتصاد

عوام گرايي کيفري با عدم آگاهي و سوءبرداشت عمومي در مورد جرم و مجازات تقويت مي‌شود. به رغم توجه و علاقه مردم به مسائل مربوط به پديده مجرمانه، آن‌ها درک درستي از واقعيت‌هاي جرائم و مجازات‌ها نداشته و صرفاً با توجه به اطلاعات غيردقيقي و بعضاً نادرستي که عموماً رسانه‌ها منتشر مي‌نمايند در اين باره اظهارنظر مي‌کنند (Hutton, 2005, 244). حال آن که رسانه‌ها با گرايش به توصيف رويدادهاي جنائي، درک و بينش صحيحي نسبت به علل وقوع جرم و همچنين راه‌هاي کنترل آن به دست نمي‌دهند (فرجيها، ۱۳۸۵، ۷۱). سياستمداران نيز به جاي تفسير و قرائتي اساسي از افکار عمومي، با استناد به نتايج شيوه‌هايي همچون نظرسنجي اين تصور را ايجاد مي‌کنند که مردم جامعه از ضمانت اجراهاي کيفري شديد حمايت مي‌کنند (Brown, 2011, 425). حال آن که انتظار مجازات‌هاي خشن از جانب مردم ممکن است واکنش افکار عمومي به باورهاي شان مبني بر صدور احکام ملايم و يا خارج شدن معضل جرم از تحت کنترل باشد. در واقع، مردم عادي نسبت به جنبه‌هاي تخصصي، آمار جرائم و سازوکار قضايي موضوع بيگانه‌اند و نبايد نظرسنجي‌هاي غيردقيقي را که بيانگر نگراني‌هاي عمومي در مورد افزايش نرخ جرائم است، توجيهي براي تشديد کنترل کيفري و سياست‌هاي سختگيرانه قرار داد (Roberts, 2003, 86). نظرسنجي‌ها اغلب به عنوان ابزاري براي سنجش افکار عمومي به کار مي‌روند و نقش مهمي در مشروعيت بخشيدن و تقويت سياست‌ها دارند، اما مسئله اساسي آن است که اين منبع اطلاعاتي با معايب جدی مواجه مي‌باشد. به همين جهت به رغم آن که نتايج حاصل از نظرسنجي‌ها همواره ديدگاه‌هاي مردم

را با چهره‌ای کیفرگرایانه نشان می‌دهند، بررسی دقیق نتایج مبین این مطلب است که دیدگاه عمومی برخلاف آنچه تصور می‌شود بسیار متنوع است و چندان کیفرگرایانه نیست (جانستون، ۱۳۹۰، ۷۹).

در واقع، سیستم اعتقادی بسیار پیچیده‌تر از آن است که با قرائت سطحی نظرسنجی‌ها مورد سنجش قرار گیرد. هنگامی که مباحث پیچیده و گسترده در قالب پرسش‌های ساده مطرح می‌شوند، پاسخ‌های کلیشه‌ای غیردقیق و مبهم در ارزیابی افکار عمومی مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، برخی نظرسنجی‌ها به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که پرسش‌های آن القاء‌کننده است و پاسخی خاص از سوی پاسخ‌دهندگان را موجب می‌شود. بدین ترتیب، سوءاستفاده از نظرسنجی‌های عمومی می‌تواند ابزاری برای دست‌اندرکاران عدالت کیفری باشد تا از این طریق بتوانند به مقاصد خود، از جمله تحقق الگوهای پوپولیستی دست یابند (Roberts, 2003, 26).

بنابر آنچه بیان شد، گردش اطلاعات در میان مردم نقش به‌سزایی در عقاید آن‌ها راجع به جرم و مجازات دارد. به همین علت مقدار زیادی از آنچه به‌عنوان کیفرگرایی عمومی تلقی می‌شود، در حقیقت نشانه و علامت بی‌اطلاعی عمومی درباره سیاست کیفری و مجازات‌ها است. بنابراین، هنگامی که اطلاعات کافی و مرتبط در این زمینه به مردم داده شده و سپس مورد پرسش قرار گیرند، اظهارنظر آن‌ها در مورد مقدار مجازات تغییر خواهد نمود. بدیهی است حتی در صورت گردش آزادانه اطلاعات، قدرت پردازش آن‌ها توسط مردم وابسته به عناصری همچون سطح سواد و آگاهی آن‌ها است و در صورت پایین بودن سطح آگاهی، پردازش اطلاعات به نحو مطلوب صورت نگرفته و به همان میزان امکان ظهور عوام‌گرایی در آن جامعه بیشتر خواهد بود. از این رو، گفته می‌شود حتی اگر موضوعی سبب ایجاد ناامنی یا نارضایتی مردم در جامعه گردد، بایستی آن را به کارشناسان و جرم‌شناسان محول نمود تا طبیعت واقعی موضوع را مورد بررسی قرار داده، سپس با تحلیل‌های علمی و منطقی راه‌حلی برای آن ارائه نمایند (پرت، ۱۳۹۲، ۱۱۷).

در کشور ما از آن‌جا که نهادهای مدنی نقش و جایگاه قابل توجهی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ندارند، دادن آزادی لازم و تضمین آن به مطبوعات و رسانه‌های جمعی در جهت افشاءسازی و شفافیت اقتصادی یک ضرورت است. در این میان، وجود برخی محدودیت‌ها در امر دسترسی به اطلاعات و ایفای وظیفه نظارتی رسانه‌ها در عمل مانع انجام رسالت آن‌ها در رابطه با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی می‌گردد؛ در صورتی که به نظر می‌رسد گذشته از ماده‌های ۲ و ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ که به صراحت آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناخته است، در بندهای دوم و هشتم

اصل سوم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران^{۲۳} به نحوي لزوم تحقق جريان آزاد دسترسي به اطلاعات مورد تأکيد قرار گرفته است. همچنين، اصل ششم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران اداره امور کشور را با اتکاء به آراي عمومي دانسته و اين امر مستلزم آن است که اطلاعات شفاف در اختيار همگان باشد.^{۲۴}

بدین ترتیب، علاوه بر آن که رابطه شفاف اطلاعاتی میان دولت و جامعه مدنی ضروری است، بایستی اقداماتی جهت توسعه یا تسهیل و تواناسازی رسانه‌ها از جمله استقلال آن‌ها صورت گیرد. در این زمینه هرچند تدقیق در ماده‌های قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ حاکی از آن است که مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده و پیشنهادات را با رعایت موازینی به اطلاع عموم برسانند و هیچ مقام دولتی و غیردولتی نباید مبادرت به سانسور و کنترل نشریات نماید و یا در صدد اعمال فشار بر آن‌ها باشد اما با عنایت به قیود کلی و مبهم در ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ هیچ نوع سازوکاری برای تضمین حق کسب و انتشار اطلاعات ارائه نشده است.

عدم توجه به نقش تفتیشی و نظارتی رسانه‌ها و همچنین فقدان نهادهای مدنی سبب شده نتوان از کارکرد این نهادها برای مقابله با مفاسد و جرائم اقتصادی بهره برد. زیرا این مهم مستلزم آن است که امکان دسترسي آن‌ها به اطلاعات مستند و شفاف افزایش پیدا کند، در غیر این صورت این نهادها بیشتر به گمانه زنی خواهند پرداخت و این امر نه تنها فایده‌ای در بر نخواهد داشت بلکه سبب تشویش اذهان عمومي گشته و موجبات بدبینی مردم را فراهم خواهد نمود.

از نتایج شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، پاسخگویی دولت‌ها است که از لوازم حکمرانی مطلوب به شمار می‌آید (قلی پور، ۱۳۸۷، ۱۴۳). منظور از پاسخ گویی، تبیین عملکرد و نقاط ضعف و قوت مسائل و امور تحت تصدی، ارائه گزارش و در صورت لزوم پاسخ به سؤالات مراجع صالح قانونی و مردم است. پاسخگویی مسئولان سبب خواهد شد تا نوعی ایمنی در برابر شایعه حاصل شود. زیرا زمانی که میزان تقاضا برای اطلاعات بیشتر از عرضه آن باشد، شایعه افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در برخی موارد شایعه زائیده اطلاعات ناقص و بعضاً متضاد است.

۲۳- گفتنی است ماده ۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوري اسلامي ايران مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۴۶ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوري اسلامي ايران مصوب ۱۳۸۹ به دسترسي شهروندان به اطلاعات توجه داشته و دولت و دستگاه‌های اجرایی را موظف نموده تا با اتخاذ تدابیر پیش بینی شده زمینه دسترسي شهروندان به اطلاعات را فراهم نمایند.

۲۴- ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴: کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

بدین جهت، مسئولان باید رخدادهای و علل آنها را به مردم اطلاع دهند. اطلاع‌رسانی و پاسخگویی در زمینه چرایی وقوع جرائم اقتصادی ضمن سلب امکان سوءاستفاده رسانه‌ها، سبب می‌شود مردم درک جامع‌تری در زمینه زوایای مختلف رویدادهای مجرمانه و علل اصلی ارتکاب آنها کسب نموده و دیدگاه‌های واقع‌گرایانه‌تری در مبارزه با جرائم مزبور داشته باشند. به عبارت دیگر، شفافیت و پاسخ‌گویی از یک سو، سبب دسترسی افراد جامعه به اطلاعات مربوط به سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد دستگاه‌های اجرایی و قضایی شده و در نتیجه منجر به افزایش امکان نظارت جامعه و همچنین بالا بردن میزان پاسخگویی مقامات مسئول خواهد شد. از سوی دیگر، انتشار اطلاعات سبب اجتناب مسئولان ارشد از اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که در مورد آنها اقدامات کارشناسی کافی انجام نشده است (بهره مند بک نظر، ۱۳۸۷، ۱۲۰).

۲-۴- ساختار اقتصاد دولتی

سیاست کیفری در جرائم اقتصادی رابطه تنگاتنگی با سیاست اقتصادی داشته و سیاست اقتصادی نیز بستگی به نوع نظام اقتصادی دارد. بنابراین، جرم‌انگاری، کیفرگذاری و حتی شیوه‌های رسیدگی به جرائم اقتصادی متأثر از نظام اقتصادی هر کشور است. از این رو، توضیح مختصری در باب انواع نظام‌های اقتصادی ضروری می‌نماید.

نظام اقتصادی لیبرال، مبتنی بر رقابت آزاد است و از سرمایه‌های خصوصی اشخاص حمایت می‌کند تا موجب رعب و وحشت سرمایه داران از سرمایه‌گذاری نشود. به همین دلیل، در این دیدگاه، حقوق کیفری اقتصادی، جرائم معدودی را پیش‌بینی نموده و ضمانت اجراها نیز کمتر رنگ کیفری و تنبیهی دارد. به عبارت دیگر، دخالت دولت در این نظام معمولاً جنبه نظارتی داشته و برای تضمین رقابت آزاد است. در مقابل در نظام ارشادی، حقوق کیفری اقتصادی مشتمل بر جرائم گسترده است. دولت در این نظام دخالت زیادی در امور اقتصادی داشته و مردم بایستی فعالیت‌های اقتصادی خود را مطابق مقررات دولتی انجام دهند. بنابراین، جرم‌انگاری در این نظام با هدف حمایت از اقتصاد و دولت صورت گرفته و مجازات‌ها صبغه کیفری داشته و شدید خواهند بود. در نظام‌های اقتصادی مختلط که نظام اقتصادی اسلام نمونه بارز آن است، دولت در امور اقتصادی دخالت می‌کند اما نه در حدی که آزادی مردم را به طور کلی سلب کند. در این نوع نظام اقتصادی، جرم‌انگاری به گونه‌ای است که هم تعدی به سیاست‌های اقتصادی دولت را ممنوع می‌سازد و هم به حمایت از فعالیت‌های مشروع اقتصادی اشخاص می‌پردازد (زراعت، ۱۳۹۱، ۵۷).

ایران در زمره کشورهایی است که مبتنی بر نظام دولت محوری در اقتصاد بوده و دولت همواره در فعالیت‌های اقتصادی نقش جدی و محوری داشته است. حال آن که، افزایش سطح مداخلات دولت در اقتصاد منجر به گستردگی حیطه اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح وسیعی دارای قدرت و نفوذ می‌شوند. بدین ترتیب، گستردگی وظایف منجر به رشد بوروکراسی و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه، رانت جویی و بازدهی اندک بنگاه‌های اقتصادی خواهد شد (شمس ناتری و توسلی زاده، ۱۳۹۰، ۲۵).

به عبارت دیگر، مداخله دولت در اقتصاد اگر فراتر از تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم، امنیت و... باشد، بستر مناسبی برای ظهور مفاسد و جرائم اقتصادی پدید خواهد آمد. از آن جا که فساد سبب فقدان اعتماد به دولت و نهادهای آن و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی خواهد شد، زمینه برای اتخاذ سیاست‌های عوام گرا فراهم می‌شود. زیرا افکار عمومی اقتصاد دولتی و سیاست‌های نادرست اقتصادی را علت اصلی و زمینه ساز فساد خواهد دانست. چنانچه نظرخواهی مؤسسه گلوب اسکن^{۲۵} نیز نشانگر آن است که احتمال آن که فساد اقتصادی موضوع گفت و گو در میان شهروندان کشورهای در حال توسعه قرار گیرد به مراتب بیش از کشورهای پیشرفته جهان است. سیاستگذاران نیز در واکنش به باورها و نگرش اعضای جامعه مبنی بر ناکارآمد بودن سازوکارهای تصدی‌گری دولت با رویکردهای عوام گرا و عمدتاً بدون مبنای علمی به مقابله با این پدیده خواهند پرداخت. به همین جهت است که پوپولیسم برخلاف لیبرالیسم دخالت دولت در اقتصاد را عاملی نگران‌کننده نمی‌پندارد (تاگارت، ۱۳۸۱، ۱۷۹).

نتیجه

در دهه‌های اخیر، وعده مبارزه با جرائم و تأمین امنیت در کوتاه مدت به گفتمان غالب سیاستمداران تبدیل گردیده و از آن جا که نتایج برنامه‌های اساسی برای حل ریشه‌ها و عوامل وقوع جرم در کوتاه مدت به بار نخواهد نشست، آنان ترجیح می‌دهند سیاست‌هایی فوری، عامه پسند و زودبازده در قبال جرائم اتخاذ نمایند. بازتاب اجتماعی سیاست‌های مزبور از علل اصلی گرایش سیاستمداران به این تدابیر تلقی می‌شود؛ به همین جهت سیاست‌هایی که بر حل ریشه‌ای علل وقوع جرم تأکید می‌نمایند مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شوند. اگر چه عدم الزام سیاستگذاران به بیان مبانی نظری و یافته‌های علمی و تجربی در زمینه میزان اثربخشی سیاست‌ها، مسیر توسل آن‌ها به چنین راهکارهایی را هموارتر خواهد ساخت.

در ایران، رسانه‌ای شدن جرائم اقتصادی، سیاسی شدن واکنش‌ها در این جرائم، ساختار اقتصاد دولتی و فقدان آگاهی عمومی نسبت به پدیده‌های حوزه اقتصاد سبب شده تا عمل گرایی به حوزه سیاست کیفری جرائم اقتصادی نفوذ پیدا کند. بدین ترتیب، مبارزه با جرائم و مفساد اقتصادی از مطالبات اساسی مردم و همچنین دغدغه مسئولان کشور تلقی می‌شود. چنین رویکردی سبب شده پس از گذشت چندین سال از طرح موضوع مفساد و جرائم اقتصادی در کشور ما و شعارهای فراوان پیرامون مبارزه با این دسته از جرائم هنوز شرایط تحقق و ضوابط تشخیص مصادیق آن به روشنی تبیین نشده باشد. با این وجود، سیاستگذاران تقنینی استفاده از ابزار کیفر، به ویژه در شرایط بحرانی را آسان‌ترین راه رسیدن به نظم اقتصادی دانسته و حتی به اصول و قواعد جرم انگاری و مرجع صالح جهت قانونگذاری پایبند نبوده‌اند. حال آن که واقعیت آن است که سیاهه طولانی رفتارهای جرم انگاری شده نشانگر اقتدار و اعتبار نظام حقوقی نیست بلکه با توجه به پیامدهای سوء ناشی از تورم کیفری، سیاستگذاران باید از جرم انگاری‌های مقطعی و مبتنی بر وقایع پرهیز نموده و از آن در راستای اهداف تبلیغاتی و سیاسی بهره نگیرند.

مبارزه با پدیده‌هایی چون جرائم اقتصادی که معلول علل و عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه‌اند نیازمند بررسی علل و ریشه‌های جرائم مزبور می‌باشد. به همین جهت، تنها با قانون و بخشنامه نمی‌توان به رویارویی با این جرائم پرداخت، بلکه باید باشناسایی علل بنیادین مؤثر در وقوع آن‌ها برنامه‌ریزی بلندمدت برای مبارزه صورت گیرد. به عبارت دیگر، حمایت کیفری در این حوزه بایستی مبتنی بر پژوهش و مطالعات کارشناسانه باشد و به کار بردن تدابیر و سیاست‌های مقطعی جهت برقراری ثبات اقتصادی که بارها توسط قانونگذار تجربه شده نه تنها مؤثر واقع نخواهد شد، بلکه هزینه‌های هنگفتی را صرف اعمال سیاست‌های کیفری خواهد ساخت.

از این رو، چنانچه قوانین متناسب و ضروری در حوزه جرائم اقتصادی تصویب شوند و از سوی دیگر، دولت در بخش اقتصادی دست به اقداماتی زند که منجر به توسعه اقتصادی در جامعه گردد و همچنین در حوزه اجتماعی به نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی توجه نماید، مسلماً به حضور فراگیر نظام کیفری نیاز نخواهد بود. در واقع، هرچند بازتاب اخبار جرائم در رسانه‌ها از جمله علل ظهور رویکردهای عوام گرا شمرده می‌شود، اما ضعف شفافیت و عدم ارائه اطلاعات دقیق و کامل به رسانه‌ها سبب شده آن‌ها تا حدود زیادی

گرایش به توصیف رویدادهای مجرمانه داشته باشند. چنین امری در راه مبارزه با جرائم اقتصادی چالش جدی محسوب می‌شود. زیرا در صورت عدم شفافیت، بسترهای لازم برای نفوذ عوام گرایی در سیاست‌های اقتصادی و همچنین سیاست کیفری پیرامون جرائم اقتصادی فراهم خواهد شد. در نقطه مقابل، چنانچه در یک کشور دولت پاسخگوتر و دسترسی به اطلاعات آسان‌تر باشد، به دلیل آگاهی مردم از واقعیات حوزه اقتصاد و همچنین علل وقوع جرائم، امکان توسل به سیاست‌های عوام گرا محدودتر خواهد شد.

پیشنهادهای

در پایان به نظر می‌رسد راهکارهای زیر بتواند در راستای یک مبارزه کارآمد و مؤثر راهگشا واقع شوند:

اول- تصویب قوانین از طریق مشاوره با افراد خبره و متخصص و یا حضور متخصصان و نخبگان در سیاستگذاری پیرامون مسائل و جرائم اقتصادی در وضع قوانین مناسب و کنار گذاشتن واکنش‌های بدون مبنای علمی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. دوم- شفافیت اقتصادی و همچنین ارائه آمار دقیق از جرائم اقتصادی سبب خواهد شد تا اطلاعات دقیق در اختیار پژوهشگران و متخصصان قرار گیرد و با آگاهی از میزان تأثیر سیاست‌های اتخاذی، امکان استفاده از رویکردهای عمل گرا توسط سیاستگذاران سلب شود. سوم- افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه ضمانت اجرای کیفری و همچنین علل اصلی وقوع جرائم نقش به سزایی در کاهش توسل به سیاست‌های عوام گرا در جرائم اقتصادی خواهد داشت. در راستای این هدف ضروری است ضمن اطلاع‌رسانی به موقع، به پرسش‌های افکار عمومی پیرامون عملکرد دادگاه‌ها پاسخ داده شود تا از این طریق تردیدها نسبت به برخورد قاطع دستگاه قضایی با مجرمان اقتصادی برطرف شود. چهارم- به نظر می‌رسد پیش‌بینی راهکارهایی جهت ارزیابی میزان اثربخشی تدابیر و سازوکارهای سیاست کیفری در قبال جرائم اقتصادی جهت اصلاح و یا کنار گذاشتن آن‌ها ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو، ۱۳۸۳، **فرهنگ علوم سیاسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپار.
- ایروانیان، امیر، ۱۳۸۸، سیاست جنایی پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها، **تازه‌های علوم جنایی**، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- بهره مند بک نظر، حمید، ۱۳۸۷، نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، شماره ۵۸.
- پاک نهاد، امیر، ۱۳۸۸، **سیاست جنایی ریسک مدار**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- پرت، جان، ۱۳۹۲، **عوام گرایی کیفری (بسترها، عوامل و آثار)**، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- پیکا، ژرژ، ۱۴۰۰، **جرم‌شناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
- تاگارت، پل، ۱۳۸۱، **پوپولیسم**، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران، انتشارات آشیان.
- خوانین زاده، حسین و بهشتی، اکرم، ۱۴۰۱، مبانی فقهی سیاستگذاری کیفری در حوزه اقتصاد، **فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی**، شماره ۱.
- جیمز، ویلیام، ۱۳۷۱، **پراگماتیسم**، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ اول، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- جانستون، جری، ۱۳۹۰، سیاستگذاری کیفری: نخبه گرا، عامه گرا یا مشارکت محور؟، ترجمه بهروز جوانمرد، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۱۱.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، **درسنامه فلسفه حقوق**، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دادگران، سیدمحمد، ۱۳۸۲، **افکار عمومی و معیارهای سنجش آن**، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.
- رهبری، مهدی، ۱۳۹۰، پراگماتیسم و سیاست مروری بر تأثیرات رویکرد پراگماتیستی در حوزه سیاسی، **فصلنامه سیاست**، شماره ۴۱.

- زراعت، عباس، ۱۳۹۱، **حقوق کيفري اقتصادي**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- سازمان عقيدتي سياسي ناجا، ۱۳۸۰، **تحليلي بر پيام نوروزي و فرمان هشت ماده‌اي مقام معظم رهبري پيرامون مبارزه با مفساد اقتصادي**، تهران، انتشارات سازمان عقيدتي سياسي ناجا.
- سبزيان موسي آبادي، عليرضا و بهمن، شعيب، ۱۳۸۹، پراگماتيسم و سياست: بررسي و نقد پراگماتيسم در قلمرو سياست و حکومت، **فصلنامه تحقيقات سياسي و بين‌المللي**، شماره ۵.
- سليمي، عبدالحکيم، ۱۳۸۲، پراگماتيسم و پيامدهاي آن در حقوق، **مجله معرفت**، شماره ۱۵۴.
- سيدزاده ثاني، سيدمهدی، ۱۳۹۰، بازتاب عدالت کيفري در رسانه ها: ضوابط و آثار، **رساله دکتری حقوق کيفري و جرم‌شناسي**، دانشکده حقوق، دانشگاه شهيد بهشتي.
- شمس ناتري، محمدابراهيم و توسلي زاده، توران، ۱۳۹۰، پيشگيري وضعي از جرائم اقتصادي، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصي**، شماره ۴.
- صدري افشار، غلامحسين، ۱۳۸۸، **فرهنگ نامه فارسي**، جلد اول، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- عظيم زاده اردبيلي، فائزه و حسابي، ساره، ۱۳۹۰، سياست جنائي و تطور مفهومي آن، **فصلنامه تعالي حقوق**، شماره ۲.
- غفوري، محمود و کمالی، يحيی، ۱۳۸۹، افکار عمومي و سياستگذاري عمومي تأملی نظري، **فصلنامه سياست**، شماره ۲.
- غلامی، علی و رحيمي، محمدمهدی، ۱۳۸۸، تأثير سياست جنائي سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرائم با نگاهی به سياست جنائي اسلام، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامي**، شماره ۳۰.
- فرجيها، محمد، ۱۳۸۵، بازتاب رسانه‌اي جرم، **فصلنامه رفاه اجتماعي**، شماره ۲۲.
- قلی پور، رحمت الله، ۱۳۸۷، **حکمراني خوب و الگوي مناسب دولت**، تهران، انتشارات معاونت پژوهشي دانشگاه آزاد اسلامي.
- کيوانفر، شهرام، ۱۳۸۶، پراگماتيسم حقوقي، **فصلنامه تحقيقات حقوقي**، شماره ۴۶.
- گروه بررسي‌هاي اقتصادي معاونت طرح و بررسي‌هاي استراتژيک، ۱۳۸۲، **فراز سرمايه**، تهران، انتشارات مؤسسه تحقيقاتي تدبير اقتصاد.
- محمودي جانکي، فيروز و مرادي حسن آبادي، محسن، ۱۳۹۰، افکار عمومي و کيفرگرايي، **فصلنامه مطالعات حقوقي**، شماره ۵.

- معینی علمداری، جهانگیر، ۱۳۹۱، پراگماتیسم و تحقیق در علوم سیاسی، **فصلنامه سیاست**، شماره ۴۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، **تقریرات سیاست جنایی**، سیاست کیفری عمل گرا-عوام گرا، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۴، **تقریرات جرم‌شناسی**، درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۴۰۰، **درآمدی بر سیاست کیفری عوام گرا**، دیپاچه ویراست سوم، کریستین، لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان.
- نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۸۱، **فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی**، تهران، انتشارات نی.

لاتین

- Boda, Z.S. & Szabo, G., 2011, The media and attitudes towards crime and justice system: A quatitative approach. *European Journal of Criminology*, 8(4).
- Brown, E.K., 2011, Constructing the public will: how political actors in New York state construct, assess and use public opinion in penal policy making. *Punishment and Society*, 13(4).
- Cullen, F.T & Gendreau, P., 2001, From nothing works to what works: changing professional ideology in 21st century. *The Prison Journal*, 81(3).
- Duff, R.A., 2010, A criminal law for citizens. *Theoretical Criminology*, 14(3).
- Hutton, N., 2005, Beyond populist punitiveness. *Punishment and Society*, 7(3).
- Jones, R., 2010, Populist leniency, crime control and due process. *Theoretical Criminology*, 14(3).
- Levi, M., 2006, The media construction of financial white collar crimes. *British Journal of Criminology*, 46.
- Pratt, J., 2008, When penal populism stops: Legitimacy, scandal and the power to punish in Newzealand. *Australian and Newzealand Journal of Criminology*, 41(3).
- Roberts, J.V; Stalans, L.J; Indermaur, D & Hough, M., 2003, Penal populism and public opinion: Lessons from five countries. Oxford: Oxford university press.
- Sanders, A., 1998, What principles underline criminal justice policy in the 1990s. *Oxford Journal of Legal Studies*, 3.
- Zimring, F.E; Hawkins, G& Kamin, S., 2001, Punishment and democracy: Three strikes and you're out in California. New York: Oxford university press.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com